

اشاره

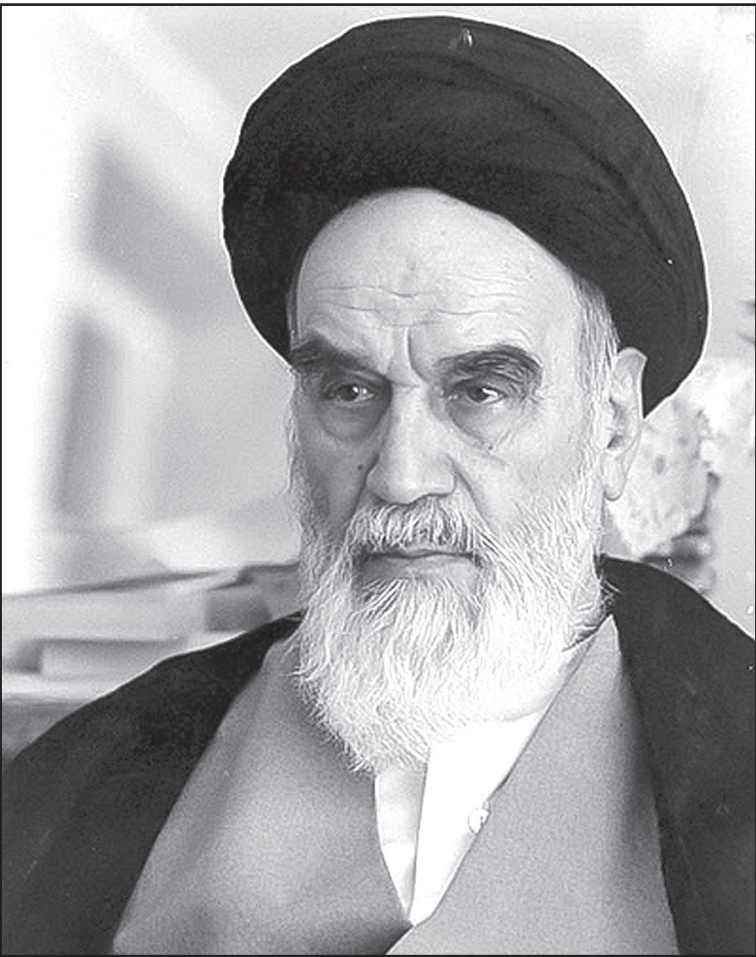
**باقی ماندن مسئولان کشور در قوای مختلف بر طریق اسلام، از دغدغه‌ها و نگرانی‌های حضرت امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه بود و از نظر ایشان داشتن رویکردی غیر از این موجب تباهی و فساد در میان مسئولین می‌شود. امام خمینی ریشه فسادها و اختلافات را در کنار گذاشتن قوه عقليه و تمسک به قوه غصبيه برمی‌شمردند که این گرایش می‌تواند انسان‌ها را به سمت درشت‌گویی، تندخویی و هتاکي سوق دهد و یا تباه کردن اخلاق به تدریج مسئولین را به فساد بکشاند و فساد در میان مسئولین به فساد در جامعه و کشور منجر خواهد شد. آنچه مطالعه می‌فرمائید گزیده‌ای از بیانات امام خمینی در این زمینه است.**

\*\*\*

حق هرجا هست باید دنبالش رفت و او را با آغوش ساز پذیرفت، ولو برخلاف نظر خود من هست، و باطل را هر چه هست و از هر کس صادر بشود باید نپذیرفت به عنوان اینکه باطل است. اشخاص و گروهها و اینها را باید کنار گذاشت، حق و باطل را ملاحظه کرد. آن وقت هم برای اثبات حق و ابطال باطل اگر انسان گرفتار شود به عصبانیت و عرض می‌کنم غیظ و غضب کردن، نه می‌تواند حق را به دست بیاورد؛ و نه می‌تواند باطل را ردش کند... مهم این است که در مقام بیان مسائل و رد مسائل، انتقاد و تکذیب، به آنجا نرسد که قوه عقليه کنار، و با قوه غصبيه انسان وارد میدان بشود. اگر یکی کسی هم فرض کنید از زبانش یک مطلبی بر خلاف شما صادر شد، شما بروید و مطلب را منطقی صحبت کنید، با داد و فریاد و – خدای‌نخواسته – حرف زشت زنن کار درست نمی‌شود... هیچ امر فاسدی یکدفعه سراغ آدم نمی‌آید. شیطان باطنی انسان بسیار استاد است. و او همچو نیست که ابتدا انسان را به فساد بکشد. ابتدا قدم کوچکی را او می‌دارد که انسان بردارد. این قدم که برداشت، فرمایش یک قدم یک قدری بلندتری. انسان را یواش یواش به جهنم می‌فرستند؛ یواش یواش به فساد می‌کشد. همه اینهایی که می‌بینید فاسد شدن این طور نبودند که اینها از اول به این درجه از فساد بودند؛ بلکه کل مَؤلود یولُذْ غلی القطره و این طور هم نبودند که یکدفعه جهش کرده باشند از یک مرتبه‌ای به مرتبه بالای فساد. این طور هیچ وقت نبوده است. این تدریج است. اینهایی که دیکتاتور شدند این طور نبوده است که از اول دیکتاتور زاینده شده باشند. آنها هم مثل سایر مردم [بودند] بعد هم وقتی که به مقامی رسیدند، این طور نبوده است که از اول دیکتاتوری کرده باشند. لکن قدم مقدم، ذره به ذره، رو به دیکتاتوری رفتند، یک وقت هیتلر از کار درآمدند؛ یک وقت استالین از کار درآمدند. شیطانِی که در باطن انسان است با کمال استادی انسان را به تباهی می‌کشد. اگر از اول بگوید کم تو بیا برو یک آدمی را بکش، هرگز نخواهد رفت. از اول انسان را وادار می‌کند که این آدم چه طور است، یک غیظی به او بکن. بعد یک قدری زیادتر، تا کم‌کم مهیا می‌کند انسان را از برای اینکه آدم هم می‌کشد؛ همه اینهایی که فاسد هستند بتدریج فاسد شدند؛ هیچ کس یکدفعه فاسد نشده است. و هیچیک از ماها هم صور تکنیم که مامون از این هستیم که فاسد بشویم. همه در معرض فساد هستیم. همه ما دست به گریبان

## تا زمانی که قوای مختلف بر طریق اسلام باشند، از طرفداری مردم بر خوردار می‌شوند

### بهره‌ای از کلام امام خمینی



و اما مطلبی که به طور کلی می‌خواهم عرض بکنم؛ این ملت ما، که از اول قیام کرد و به ما منت گذاشت و وارد شد در صحنه و مقابل همه قدرتیها استاد و رای داد به این جمهوری و تا آخر و شکست داد طرفهای مقابل را، این ملت ما سرچای خودش نیست... ملت با اسلام است. نه با من است و نه با شما و نه با دیگری. من اگر یک کلمه‌ای بر خلاف اسلام بگویم، همین ملت می‌ریزند و من را از بین می‌برند. ملت اسلام می‌خواهد. ملت شخص نمی‌خواهد. شخص پرست نیست. ملت می‌خواهد که قوانین اسلام دراین مملکت پیاده بشود. ملت این همه زحمت کشیده است که دین اسلام را برقرار کند در یک مملکت که صدها سال و در این اخیر پنجاه سال کوشش شد به اینکه اسلام را کنار بگذارند؛ کوشش شد به اینکه روحانیت را کنار بگذارند و تضعیف کنند. ملت روحانیت را به تبع اسلام می‌خواهد. اگر – خدای‌نخواسته روحانی هم برخلاف اسلام بکند، آن هم یک سواکی است. فرقی نمی‌کند. بدتر از سواکی هم هست! این مناهار را از گوشه‌ایشان بیرون کنند آقایان که این مردم

دیگر از جمهوری اسلامی کنار رفته‌اند. خیر، شماها کنار رفته‌اید. شما خودتان را علاج کنید. مرض‌های باطنیتان را علاج کنید که نویسند که این مملکت دیگر رفته از بین.

این مملکت از بین نرفته؛ و این جمهوری اسلامی هم سر جای خودش هست؛ و این مردم هم دنبال جمهوری اسلامی هستند؛ و این مردم هم از مجلس، مادامی که

# تا زمانی که قوای مختلف بر طریق اسلام باشند، از طرفداری مردم بر خوردار می‌شوند

مجلس بر طریقه اسلام باشد، و از دولت، مادامی که دولت بر طریقه اسلام باشد، و از رئیس‌جمهور، مادامی که رئیس‌جمهور در طریق اسلام باشد، طرفداری می‌کنند. هر کدامتان بلغزید، مردم دیگر از شما طرفداری نمی‌کنند. برای اینکه مردم اسلام را می‌خواهند... این قلمها یک قدری ملاحظه بکنند این مسائل را. همین‌طور می‌نشینند توی خانه‌هایشان حکم می‌کنند ملت این طوری است! خوب، ملت اینهاست که شما می‌بینید که در کوچه و بازار و آنهایی که در جنگ هستند و آنهایی که هر روز می‌آیند و می‌گویند، که ما می‌خواهیم برویم جنگ. ملت من و تو نیستیم! ملت آنها هستند. میزان آنها هستند. هي نشینید و بگویید که مردم چه شداند؛ مردم دیگر مایوس شدند؛ مردم کذا شدند. نخیر، مردم از اسلام مایوس نمی‌شوند. کارهای ما هم هر کدام فاسد است، می‌گویند کار تو فاسد است، ولی ما جمهوری اسلامی را می‌خواهیم.

من همیشه میل دارم که همه طبقاتی که هستند، همه

**\*همه اینهایی که فاسد هستند بتدریج فاسد شدند؛ هیچ کس یکدفعه فاسد نشده است. و هیچیک تصور نکنیم که مامون از این هستیم که فاسد بشویم. همه در معرض فساد هستیم**

کسانی که در صحنه‌ها حاضر هستند همه با هم بنشینند اصلاح کنند مسائل را. هي نشینند آن از آن ور بخواهد او را از بین ببرد، او از آن ور بخواهد که او را از بین ببرد؛ و مسئله را به بن‌بست برسانند و مملکت را به بن بست. شما به بن‌بست برسید! اشتباهی می‌کنید. مملکت اسلام که به بن‌بست نمی‌رسد. همین پیروزها و پیمردها و جوانها و بچه‌ها، از این بن‌بستها بیرون می‌آوردن این مملکت را. شماها به بن‌بست رسیدید، می‌گویید خوب، چه بکنیم؛ بگذارید اسلام نباشد تا ما باشیم؛ بگذارید ایران نباشد، شما ایستاده‌اید تا پای اینکه ایران نباشد! دست بردارید از فضولیها! برای خدا کار بکنید. برای خدا آرامش بگیرید. برای خدا دعوت به آرامش بکنید. برای خدا توی سر هم نزنید. بترسید از اینکه یک وقت یک انفجاری حاصل بشود و همه ما را به باد فدا بدهند. از این بترسید! شما! مغرور نشوید به اینکه من آن هستم که فلان کار، چیز بود، رستم یلی بود در کذا! مغرور نشوید.

... من اول سال به آقایان عرض کردم که این سال خوب است سال اجرای قانون باشد. باید حدود معلوم

# آگهی تحدید حدود عمومی اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بندر لنگه سال ۱۴۰۲

یک قطعه زمین باغی به مساحت ۲۱۴۴۴/۶۲ مترمربع واقع در

روستای گنایی

پلاک- ۲۸۹۲۲ آقای یوسف پیوندخمیری فرزند محمد شش‌دانگ

یک قطعه زمین زراعی باغی به مساحت ۱۵۶۱۸/۲۲ مترمربع واقع

در روستای گواه‌کوه

پلاک- ۲۸۹۵۷ آقای بونس کوهی‌خمیری فرزند عبدالله شش‌دانگ

یک قطعه زمین زراعی و نخلستان به مساحت ۲۴۳۸۳/۱۰ مترمربع

واقع در روستای چاه احمد

پلاک- ۲۸۹۵۹ آقای محمود پور کورستانی فرزند محمد شش‌دانگ

یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۰۱۸۰/۲۹ مترمربع واقع در

روستای حمیران

پلاک- ۲۸۹۶۰ آقای محمد حمیرانی فرزند ابراهیم شش‌دانگ

یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۱۵۱۴/۱۰ مترمربع واقع در

روستای حمیران

پلاک- ۲۸۹۶۴ آقای محمود پور کورستانی فرزند محمد شش‌دانگ

یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۷۸۱/۶۵ مترمربع واقع در

روستای حمیران

پلاک- ۲۸۹۶۷ آقای محمود پور کورستانی فرزند محمد شش‌دانگ

یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۹۸۶/۸۶ مترمربع واقع در

روستای حمیران

پلاک- ۲۹۰۱۴ آقای احمد راه‌پیما فرزند محمد شش‌دانگ یک

قطعه زمین زراعی به مساحت ۲۱۹۱۲/۸۶ مترمربع واقع در

روستای گزیر

پلاک- ۲۹۰۱۵ خانم سیده آمنه هاشمی فرزند سیدمحمد شش‌دانگ

یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۵۴۵۱/۸۴ مترمربع واقع در

روستای گزیر

پلاک- ۲۸۷۴۷ خانم مرضیه پیام فرزند عبدالرحمن شش‌دانگ یک

باب چهاردیواری به مساحت ۴۳۹/۱۱ مترمربع واقع در روستای

مراغ

پلاک- ۲۸۷۴۹ آقای محمدنور پهل‌ه فرزند محمد امین شش‌دانگ

یک باب چهاردیواری به مساحت ۲۴۴۷/۰۹ مترمربع واقع در

روستای مراغ

پلاک- ۲۸۷۵۴ آقای محمد ساربان فرزند عبدالله شش‌دانگ

یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۲۰۲۸۴/۴۸ مترمربع واقع در

روستای بندر معلم

پلاک- ۲۸۷۹۳ آقای محمد بدرود فرزند عبدالله شش‌دانگ یک

قطعه زمین زراعی به مساحت ۷۶۱۲/۱۰ مترمربع واقع در روستای

کوشک

پلاک- ۲۸۸۶۶ آقای قنبر تندرو فرزند سیف‌اله شش‌دانگ یک قطعه

باغ به مساحت ۹۶۴/۸۱ مترمربع واقع در روستای گزیر

پلاک- ۲۸۸۹۷ خانم فهیمه فرجاد فرزند علی شش‌دانگ یک

قطعه زمین زراعی باغی به مساحت ۴۰۰۳۳/۸۳ مترمربع واقع در

روستای نورمستان

پلاک- ۲۸۹۰۰ خانم تهیمینه حمیرانی فرزند محمد شش‌دانگ یک

قطعه زمین زراعی به مساحت ۲۱۲۰/۷۸ مترمربع واقع در روستای

زیارت

پلاک- ۲۸۹۰۱ آقای محمود پور کورستانی فرزند محمد شش‌دانگ

یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۰۰۰/۲۱ مترمربع واقع در

روستای زیارت

پلاک- ۲۸۹۰۳ آقای احمد محمدپور فرزند محمد شش‌دانگ

پلاک- ۲۸۹۰۵ آقای احمد محمدشرف شش‌دانگ

پیرو آگهی تحدید حدود املاک و مستغلات حوزه ثبتی شهرستان بندرلنگه که میبایست طبق ماده ۱۴ قانون ثبت آگهی آنها منتشر شود و همچنین پلاک هایی که بعلت عدم حضور مالک یا نماینده قانونی آنها از ثبت خارج شده بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌شود.

**اظهار نامه های بر گشتی قطعه ابخش ۲۴بندر لنگه**

پلاک- ۱۶۰/۱ آقای محمود گله داری فرزند محمد شش‌دانگ یک

باب خانه به مساحت ۳۰۱۱/۵۹ مترمربع واقع در کوی گرگ

پلاک- ۲۱۲ خانم ها مریم، خدیجه، فاطمه، فتنیه، هدا شهرت

همگی آشنانگر فرزندان حسن( وراث حسن) هر کدام نسبت به

یک ممیز بیست صدم دانگ مشاع از شش‌دنگی یک باب خانه به

مساحت ۷۰۷/۳۰ مترمربع واقع در کوی خمبی

پلاک- ۲۴۳۷ خانم اشرف حکیمیان فرزند حسین شش‌دانگ یک

چهاردیواری به مساحت ۵۹/۰۷ مترمربع واقع در کوی افغان

پلاک- ۲۴۴۳ آقای محمد خالد خالدی فرزند محمدحسین شش‌دنگ

یک چهاردیواری به مساحت ۳۹۰/۳۵ مترمربع واقع در کوی

افغان

پلاک- ۲۴۸۶ آقای ابراهیم آذره‌گر فرزند عبدالرزاق شش‌دنگ

یکباب خانه به مساحت ۶۶۲/۲۷ مترمربع واقع در کوی بلوکی

پلاک- ۲۴۹۱ آقای ابراهیم آذره‌گر فرزند عبدالرزاق شش‌دنگ

یکباب خانه مخروبه به مساحت ۳۳۹/۸۲ مترمربع واقع در کوی

بلوکی

مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۵

پلاک- ۲۹۵۵/۱ آقای یوسف باشی فرزند عبدالرحمان شش‌دنگ

یک باب خانه به مساحت ۲۳۹/۸۱ مترمربع واقع در کوی گشه

پلاک- ۳۳۸۰/۱ آقای حسن محمد جنگلی فرزند محمد شش‌دنگ

یک قطعه نخلستان به مساحت ۱۱۲۴/۶۲ مترمربع واقع در

روستای شناس

پلاک- ۱۸۴۶۹ خانم مرضیه محمد زاده نخلی فرزند غلام عباس

شش‌دنگ یک باب کارگاه به مساحت ۲۳۶/۴۲ مترمربع واقع در

کوی زینیبه

پلاک- ۱۸۵۵۷ خانم منارحیمی فرزند ابراهیم شش‌دنگ یک باب

چهاردیواری و اتاق احدائی به مساحت ۳۹۱/۰۳ مترمربع واقع در

کوی گرگ

پلاک- ۱۸۷۲۰ آقای سید محمد هوشمند فرزند سید احمد

شش‌دنگ یک قطعه زمین به مساحت ۵۹/۷۸ مترمربع واقع

در کوی رودباری

پلاک- ۱۸۷۴۹ آقای شهرام شریفی نژاد فرزند ابراهیم شش‌دنگ

یک باب چهار دیواری به مساحت ۱۷/۹۰ مترمربع واقع در کوی

مساح

مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۶

پلاک- ۱۸۷۵۰ آقای اسلام محمدی فرزند نظام الدین شش‌دنگ

یک باب خانه به مساحت ۱۰۶/۵ مترمربع واقع در کوی مینایی

پلاک- ۱۸۷۵۱ آقای ابودر محمدی فرزند نظام الدین شش‌دنگ

یک باب ساختمان در حال احداث به مساحت ۱۴۳/۵ مترمربع واقع

در کوی مینایی

پلاک- ۱۸۷۵۵ آقای یوسف مشرف فرزند عبدالرحمن شش‌دنگ

یک باب خانه به مساحت ۳۸۰ مترمربع واقع در کوی گرگ

پلاک- ۱۸۷۶۰ خانم کتیز فروت فرزند رجب شش‌دنگ یک باب

خانه به مساحت ۱۶۲/۶۳ مترمربع واقع در کوی فاطمیه

پلاک- ۱۸۷۶۷ آقای حسین آرمون فرزند محمد شش‌دنگ یک

باب چهاردیواری به مساحت ۵۳ مترمربع واقع در کوی گرگ

## جمهوری اسلامی

آیت‌الله‌عزیز امام خمینی

بشود. آقای رئیس‌جمهور حدودش در قانون اساسی چه هست، یک قدم آن ور بگذارد من با او مخالفت می‌کنم. اگر همه مردم هم موافق باشند، من مخالفت می‌کنم. آقای نخست‌وزیر حدودش چه قدر است، از آن حدود نباید خارج بشود. یک قدم کنار برود با او هم مخالفت می‌کنم. مجلس حدودش چه قدر است، روی حدود خودش عمل کند. شورای نگهبان حدودش چه قدر است؛ قوه قضائیه حدودش چی است؛ قوه اجرائیه. قانون معین شده است. نمی‌شود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم. غلط می‌کنی قانون را قبول نداری! قانون ترا قبول ندارد... در مقام تدبیر امور یک مملکت و در مقام اداره یک مملکت

باید همه شماها و همه کسانی که دست اندر کار هستند و همه ملت پذیرند آن چیزی را که، قانون اساسی پذیرفته است. پذیرند آن چیزی را که مجلس به آن رای می‌دهد و شورای نگهبان آن را موافق قانون و موافق شرع می‌داند. باید پذیرند اینها را. اگر می‌خواهید که از صحنه بیرونتان نکنند، بپذیرید قانون را. نگویید هی قانون، و خودتان خلاف قانون بکنید! بپذیرید قانون را. همه‌تان روی مرز قانون عمل بکنید. اگر همه روی مرز قانون عمل بکنند، اختلاف دیگر پیش نمی‌آید. همه اختلافات این است که یک کسی اینجا فروش را انداخته، یکی هم اینجا فروش را؛ اگر این روی فرش خودش بنشیند و آن هم روی فرش خودش بنشیند دعوا ندارد. اما اگر این پایش را دراز کرد روی فرش او، او پایش را کنار می‌زند. و او هم می‌خواهد پایش را دراز کند اینجا؛ دعوا اینجا پیدا می‌شود.

دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد. این را همه از گوشان بیرون کنید! همه‌تان، همه ما، از گوشان بیرون کنیم که دعوای ما برای خدا است، ما برای مصالح نمی‌شود بازی دادا دعوای خود من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است. همه می‌گویند پیش بده برای ما! همه می‌خواهند تمام این قدرت چی چی... آخر من نمی‌فهمم چه قدرتی الان در کار هست! خوب، محمدرضا اگر دنبال این مسائل می‌رفت مطلبی بود، برای اینکه یک قدرتی بود – قدرت شیطان‌ی بود – کسی حق نداشت یک کلمه بگوید؛ اما امروز که بقال سرمحله می‌آیند و می‌گویند که برادر نخست‌وزیر اینجا

این کار درست نیست، برادر رئیس‌جمهور این کار درست نیست، این دیگر قدرتی نیست، یک برادری است، یک دسته برادرند، یک دسته‌شان شانسشان آورده است آنجا نشسته‌اند؛ یک دسته بیچاره هم برای اینجا سینه می‌زنند! قدرت نیست که ما حالا برای یک قدرتی بیاییم. اینها تلبیسات ابلیس است که بر ما غلبه کرده است، و این تلبیسات ابلیسی را چنانچه مسامحه کنید، شما را به جهنم می‌فرستد؛ در همین دنیا هم به تباهی می‌کشد. در همین دنیا ایستاده است این تلبیس نفسانی و این شیطان نفس ایستاده است تا آنجایی که همه چیز دنیا را به فنا بدهد... این مردم زاغنه‌نشین که شماها را روی مسند نشانداندن ملاحظه آنها را بکنید، و این جمهوری را تضعیف نکنید. بترسید از آن روزی که مردم بفهمند در باطن ذات شما چیست، و یک انفجار حاصل بشود. از آن روز بترسید که ممکن است یکی از «ایمان‌الله» – خدای‌نخواسته – بساز پیدا بشود. و آن روز دیگر قضیه این نیست که برگردیم به ۲۲ پهن. قضیه [این] است که فاتحه همه ما را می‌خواند! (صحیفه امام، جلد۴، صص ۳۶۵ تا ۳۸۰)